گروه حقوقی روزنامه جوان پذیرای مطالب جامعه حقوقی است.
انتشار دیدگاه‌های حقوقی به منزله تأیید یا رد تمام محتوای آنها نیست.

حبس زدایی

تهیه لوازم تحصیلی برای دانش آموزان نیازمند، مجازات ۱۲ متمرد

قاضی سلماسی در اقدامی جالب برای ۱۲ نفر از متهمان تمرد در مقابل مأموران دولتی «تهیه لوازم تحصیلی برای دانش آموزان نیازمند» را به عنوان مجازات جایگزین حبس صادر کرد.

در راستای رویه اخیر قوه قضائیه مبنی بر استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس برای مرتکبان جرائم با حبس‌های کوتاه‌مدت، محسن مرادی اوجقاز قاضی آذربایجان غربی، با در نظر گرفتن شرایط و ضوابط موجود، حکم حبس ۱۲ نفر از متهمان تمرد در مقابل مأمورین دولتی را به «تهیه لوازم تحصیلی مورد نیاز دانش‌آموزان» تبدیل کرد. در متن این حکم که بر اساس مفاد آیین نامه اجرایی ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی تحریر شده، آمده است: حبس نامبردگان را به تهیه لوازم تحصیلی مورد نیاز دانش‌آموزان نیازمند شهر سلماس به مبلغ ۶ میلیون ریال (برای هر یک از متهمان) با نظارت و هماهنگی اداره آموزش و پرورش به عنوان نهاد پذیرنده جایگزین می‌نمایند. همچنین در این حکم ذکر شده است که در صورت تعذر اجرای مجازات جایگزین یا تخلف از اجرای آن یا اجرای تمام یا بخشی از آن با مانعی مواجه شود و در صورت عدم امکان رفع مانع یا ایجاد مانع توسط رفتار عمدی محکوم، مجازات حبس (اصلی) اجرا خواهد شد.

۲ حکم جالب جایگزین حبس برای متصرفان اراضی ملی

قاضی سلماسی در حکمی دیگر برای متصرفان اراضی ملی، اقدام به صدور دو حکم جایگزین مبنی بر «ایجاد آتش بُر در مناطق بحرانی آتش سوزی» و نیز «ایجاد و احداث دو عدد آبشخور در مراتع ییلاقی» کرد.

در متن این احکام نیز آمده است: حبس نامبرده را باتوجه به شغل و امکانات متهم به ایجاد آتش بُر در مناطق بحرانی آتش سوزی، با نظارت نهاد پذیرنده که مدت آن بیش از یک ماه نخواهد بود، جایگزین می‌نماید که در صورت تعذر اجرای مجازات جایگزین یا تخلف از اجرای آن یا اجرای تمام یا بخشی از آن توسط رفتار عمدی محکوم، مجازات حبس (اصلی) اجرا خواهد شد.

همچنین در حکم دیگر فرد متصرف اراضی ملی نوشته شده است: حبس الف – را به ایجاد و احداث دو عدد آبشخور در مراتع ییلاقی با تعیین محل آن توسط کارشناسان محترم اداره منابع طبیعی و ب – را به تهیه نیم تن کود حیوانی برای طرح‌های جنگلکاری دست کشت با نظارت نهاد پذیرنده جایگزین می‌نماید که در صورت تعذر اجرای مجازات جایگزین یا تخلف از اجرای آن یا اجرای تمام یا بخشی از آن توسط رفتار عمدی محکوم، مجازات حبس (اصلی) اجرا خواهد شد.

حقوق شهروندی

روش‌های وصول چک برگشتی

یکی از مشکلات حقوقی در جامعه که بسیاری از شهروندان به نوعی با آن درگیر هستند «دعاوی مربوط به چک و چک‌های برگشتی» است. روزانه تعداد زیادی از شهروندان پس از ارائه چک به بانک برای دریافت مبلغ مندرج در آن با این پاسخ از بانک مواجه می‌شوند که «چک فوق مانده ندارد» اما چه باید کرد؟

در صورتی که چک بنا به دلایلی، با گواهی عدم پرداخت از سوی بانک مواجه شود، دارنده‌چک برای مطالبه‌وجه آن و رسیدن به حقوق خود، از «چهار طریق» می‌تواند اقدام کند:

۱-اقدام از طریق تقدیم شکایت کیفری

دارنده چک می‌تواند بعد از دریافت گواهی عدم پرداخت از بانک مربوط، به طرفیت صادرکننده چک، اقدام به طرح شکایت کیفری کند.

طرح شکایت کیفری منوط به این است که دارنده چک مواعد شش ماهه را رعایت کرده باشد؛ یعنی

اولاً: ظرف شش ماه از تاریخ صدور چک، برای وصول وجه آن به بانک مراجعه کرده باشد.

ثانیاً: بعد از مراجعه به بانک و دریافت گواهی عدم پرداخت، اقدام به طرح شکایت کیفری کند. (ماده ۱۱ قانون صدور چک)

البته اقامه دعوی کیفری چک یک شرط بسیار مهم دارد: بتوان ثابت کرد که چک برگشت خورده، چک مدت دار نبوده و به روز بوده است.

۲-اقدام از طریق دایره اجرای ثبت

با توجه به اینکه چک «در حکم اسناد لازم‌الاجرا» است، لذا دارنده چک می‌تواند از طریق دایره اجرای ثبت درخواست صدور اجرائیه علیه صادرکننده چک نماید.

۳-اقامه دعوی تجاری از طریق تقدیم دادخواست

با توجه به اینکه چک همانند سفته و برات از جمله «اسناد تجاری» مندرج در قانون تجارت محسوب می‌شود، بنابراین دارنده چک می‌تواند علیه همه مسئولان، اعم از صادرکننده و ظهرنویسان، تحت شرایطی، با تقدیم دادخواست مربوط، اقامه دعوی تجاری کند.

۴-اقامه دعوی مدنی از طریق تقدیم دادخواست

دارنده چک، در هر حال، حق اقامه دعوی علیه صادرکننده چک را دارد که این امر، با تقدیم دادخواست به دادگاه‌های عمومی حقوقی و طبق تشریفات قانون آیین دادرسی مدنی صورت می‌گیرد و عموماً دارندگان چک از این روش، به عنوان آخرین مرحله استفاده می‌کنند.

پرسش حقوقی

آنچه از نظرتان می‌گذرد، فهرست پرسش‌های حقوقی و قضایی شما و پاسخ‌های وکلا به این پرسش‌هاست.

حکم مردی که برای فرار از پرداخت مهریه اموالش را به نام دیگران می‌زند، چیست؟

به موجب قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴ انتقال مال به دیگری به هر نحو به‌وسیله مدیون با انگیزه فرار از ادای دین به نحوی که باقیمانده اموال برای پرداخت دیون کافی نباشد، موجب حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه شش یا جزای نقدی معادل نصف محکومٌ‌به یا هر دو مجازات می‌شود و در صورتی که منتقلٌ‌الیه نیز با علم به موضوع اقدام کرده باشد در حکم شریک جرم است. در این صورت عین آن مال و در صورت تلف یا انتقال، مثل یا قیمت آن از اموال انتقال گیرنده به عنوان جریمه اخذ و محکومٌ‌به از محل آن استیفاء خواهد شد.

من چند ماه پیش به دلیل مشکل مالی و نداشتن هیچ راهی برای تأمین پول، مجبور به گرفتن پولِ درصدی از شخصی شدم و در برابر آن وی یک فقره چک به مبلغ دو برابر پولی که گرفته بودم از من گرفت. حالا چک برگشت خورده است. می‌خواستم ببینم تکلیف من چیست؟

هر گاه ثابت شود که چک‌های بلامحل بابت معاملات نامشروع یا بهره ربوی صادر شده است، در این صورت صادرکننده چک مشمول مجازات صدور چک بلامحل نخواهد بود که تبصره ماده ۷ قانون صدور چک در این خصوص مقرر داشته است: «این مجازات‌ها شامل مواردی که ثابت شود چک‌های بلامحل بابت معاملات نامشروع یا بهره ربوی صادر شده، نمی‌باشد.»

پیوند ناگسستنی حذف اعدام با مقوله حقوق بشر

چگونه می‌توان با حفظ اصول حقوقی – فقهی از مجازات اعدام در سیستم کیفری ایران کاست؟

گزارش یک

رضا علی‌دوست

کیفر مرگ با چالش‌های بسیاری روبه‌روست که مهم‌ترین آنها «چالش حقوق بشری» است. گفته می‌شود این کیفر با حقوق بشر افراد در معرض اعدام و افراد تحت تأثیر اعدام (مانند همسر و فرزندان) در تعارض بوده و با «کرامت ذاتی انسان» نیز همخوانی ندارد و آسیب‌های اجتماعی بسیاری به دنبال خود دارد. در نتیجه، اسناد بسیاری در زمینه الغا یا محدود کردن آن به مهم‌ترین جرائم و خطرناک‌ترین مجرمان به تصویب رسیده است. همچنین تلاش شده است تا از اعدام برخی از گروه‌های اجتماعی مانند کودکان، دیوانگان، بانوان باردار و... نیز جلوگیری شود. از سوی دیگر، تلاش بر این بوده تا تمامی تضمینات «دادرسی منصفانه» برای اشخاص تأمین شود و حکم نهایی نیز به تأیید عالی‌ترین مقامات قضایی برسد و تمامی راه‌های مربوط به عفو، تخفیف و بخشایش نیز طی شود. این تدابیر ماهوی و شکلی موجب شده است تا از شمار موارد کیفر مرگ کاسته و در جهت «اعدام‌زدایی» یا «اعدام کاهی» گام برداشته شود.

> **با وجود کم بودن موارد اعدام در فقه و شریعت، بعضاً این نهادهای قانون‌گذار بوده‌اند که اعدام را در قوانینی همچون قانون مبارزه با مواد مخدر، قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح و... گسترش داده‌اند. در همین راستا، قوه مقننه و قضائیه از چندین سال پیش تلاش‌های درخور توجهی انجام داده‌اند تا بعضی از توصیه‌ها را اجرا نمایند که اثر آن اصلاح برخی از قوانین و کاهش نسبی شمار اعدام در قانون و عمل بوده است**

«کیفر مرگ» با موضوع مهم و حساس «حقوق بشر» پیوند می‌خورد. در همین راستا، شورای حقوق بشر نیز در نشست سی‌وششم خود (۱۱ تا ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۷) به مسائل مهمی پرداخته و قطعنامه‌ای در این زمینه صادر کرده است.

■ نگاهی کوتاه به مفاد قطعنامه

در بخش مقدماتی قطعنامه، شورا به اصول و اهداف منشور سازمان ملل متحداشاره کرده و از اسناد حقوق بشری مهمی یاد می‌کند که درصدد محدودسازی یاالغای کیفر مرگ هستند. این اسناد عبارتند از: اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و پروتکل اختیاری دوم الحاقی به این میثاق که به طور کامل کیفر مرگ را لغو می‌کند. در ادامه نیز قطعنامه به اقدامات نهادهای مختلف مانند مجمع عمومی، شورای اقتصادی –اجتماعی، کمیسیون حقوق بشر، دبیرکل، گزارشگر ویژه شکنجه و سایر رفتارها و کیفرهای ظالمانه، غیرانسانی و وهن‌آور، گزارشگر ویژه در زمینه اعدام‌های فراقضایی، خودسرانه و اختصاری، گزارشگر ویژه در زمینه استقلال قضات و وکلا، گروه کاری در موضوع مسئله تبعیض علیه بانوان در قوانین و در عمل، نهادهای معاهداتی، کمیته الغای تبعیض علیه بانوان، کمیته الغای تبعیض نژادی، تصمیمات متعدد شورای حقوق بشر و نقش اسناد و ابتکارات منطقه‌ای در جهت الغای کیفر مرگ اشاره می‌نماید. شورا ضمن استقبال از تلاش بسیاری از دولت‌ها برای تعیین مهلت قانونی استفاده از کیفر مرگ، اشاره می‌کند که کشورهایی با نظام‌های حقوقی، سنن، فرهنگ‌ها و زمینه‌های مذهبی متفاوت، کیفر مرگ را الغا نموده یا مهلت قانونی الغای آن را تعیین کرده‌اند. شورا ابراز تأسف می‌کند که کیفر مرگ سبب نقض حقوق اشخاص در معرض آن و سایر اشخاص تحت تأثیر آن شده و در بیشتر موارد، افراد فقیر و آسیب‌پذیر اقتصادی و اتباع خارجی در معرض کیفر مرگ قرار می‌گیرند. شورا اشاره می‌کند قوانین در بر دارنده کیفر مرگ معمولاً در مورد اقلیت‌های نژادی، قومی و افرادی که حق آزادی بیان، اندیشه، وجدان و اجتماع مسالمت‌آمیز خود را اِعمال می‌کنند، اجرا می‌شود. شورا در ادامه، استفاده از کیفر مرگ علیه اشخاص دارای ناتوانی روانی و ذهنی، اشخاص زیر ۱۸ سال در زمان ارتکاب جرم و زنان باردار را محکوم می‌کند. شورا تأکید می‌کند فقدان شفافیت در استفاده از کیفر مرگ، اثر مستقیمی بر حقوق بشر افراد محکوم به مرگ و همینطور سایر اشخاص تحت تأثیر آن دارد. همچنین علاقه‌مندی خود به مطالعه مسئله کیفر مرگ و برگزاری گفت‌وگوهای محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی در این زمینه را نشان می‌دهد.

■ توصیه‌های شورا به دولت‌ها

شورای حقوق به منظور کاهش کیفر مرگ، توصیه‌هایی را به دولت‌های اعمال کننده کیفر مرگ، به شرح زیر ارائه می‌نماید:

–حمایت از حقوق تمامی اشخاص در شرف اعدام یا تحت تأثیر آن

–تصویب پروتکل اختیاری دومِ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

–خودداری از اجرای کیفر مرگ بر اساس قوانین تبعیض آمیز یا در نتیجه تبعیض یا اجرای خودسرانه قانون

– تضمین اینکه تمامی اشخاص متهم، به ویژه اشخاص فقیر و آسیب‌پذیر اقتصادی، به عدالت دسترسی داشته و از معاضدت حقوقی کافی برخوردار شوند. افراد محکوم نیز بتوانند تقاضای عفو، بخشودگی یا تخفیف مجازات خود را تقدیم مراجع صالح نمایند.

– خودداری ازاعمال کیفر مرگ در مورد افراد دارای معلولیت ذهنی و روانی، اشخاص زیر ۱۸ سال در زمان ارتکاب جرم و بانوان باردار

– آگاه ساختن اتباع خارجی از حقوق خود مبنی بر دسترسی و تماس با مقامات کنسولی کشور خود و بهره‌مندی از حمایت آنان

– انجام مطالعات بیشتر جهت شناسایی عوامل مؤثر در اِعمال تبعیض‌آمیزِ کیفر مرگ و ارائه راهبردهای مؤثر به منظورِ حذف این رویه های تبعیض آمیز

– تهیه و در دسترس قرار دادن داده‌های مربوط به کیفر مرگ به تفکیک جنسیت، سن، تابعیت و سایر معیارها، به گونه‌ای که داده‌های مربوط به اتهامات، شمار اشخاص محکوم، در انتظار مرگ، اعدام‌های اجرا شده و اعدام‌های نقض شده، تخفیف داده شده و موارد عفو یا بخشودگی، برنامه زمانی اعدام‌ها روشن گردد تا در گفت‌وگوهای ملی و بین‌المللی استفاده شود.

■ سخن آخر

با نگاهی به مفادِ این قطعنامه و توصیه‌های شورای حقوق بشر می‌توان گفت که بخش عمده‌ای از توصیه‌های آن قابل پذیرش بوده و بدون هیچ مانعی می‌توان آنها را در نظام حقوقی ایران به کار بست. همچنانکه در حال حاضر نیز بعضی از این توصیه‌ها رعایت می‌شوند. تقریباً واضح است که ایران باید گامی اساسی در جهت بازبینی قوانین داخلی و کاهش موارد و شمار اعدام‌ها بردارد. در همین راستا، قوه مقننه و قضائیه از چندین سال پیش تلاش‌های درخور توجهی انجام داده‌اند تا بعضی از توصیه‌های نهادهای حقوق بشری را اجرا نمایند که اثر آن اصلاح برخی از قوانین و کاهش نسبی شمار اعدام در قانون و عمل بوده است؛ راهی که همچنان باید ادامه یابد و امید است در صورت اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر، میزان اعدام‌ها کاهش چشمگیری یابد. به گونه ای که می‌توان آن را بزرگ‌ترین و مهم‌ترین اقدام حقوقی در جهت «اعدام‌زدایی» و «اعدام کاهی» دانست. در شرایط کنونی، نظام حقوقی ایران با تکیه بر مبانی فقهی (نگاهی از درون) و با الهام از اسناد بین‌المللی (نگاهی از برون) می‌تواند شمار موارد را به حداقل خود برساند و از میزان فشار نهادهای حقوقی و سیاسی بکاهد. زیرا در آموزه‌های فقهی، شمار موارد اعدام بسیار اندک است و این نهادهای تقنینی بوده‌اند که موارد اعدام را در قوانینی همچون قانون مبارزه با مواد مخدر، قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح و... توسعه داده بعضاً و از چارچوب فقهی خارج ساخته‌اند، بنابراین شایسته است که قانونگذار به مبانی اصیل فقهی بازگشته و تمامی اعدام‌های مورد تردید را حذف نماید. آنچه در این میان مهم است تغییر در مبنای گزینش فتوا یا نظریه معیار برای قانونگذاری است. در این مورد بهتر است در هر مورد، از میان نظریه‌ها و فتاوای فقهی، آن فتوا و نظریه‌ای انتخاب شود که نتیجه آن عدم اجرای اعدام یا اجرای اعدامِ کمتر است. این امر با مذاق شریعت (که کیفرگریز است) و اصل احتیاط در دماء و قاعده درء نیز همخوانی دارد و به انصاف و عدالت نزدیک تر است.

نگاه

ابراهیم مرادی*

علت های وقوع قتل عمد قابل پیشگیری است

قتل عمدی به عنوان یکی از جرائم طبیعی همواره در طول تاریخ عملی خشن و از هولناک‌ترین جنایات بشر بوده که علاوه بر از بین بردن امنیت، احساس امنیت را نیز در جامعه مخدوش می‌نماید و مورد مذمت تمامی جوامع و ادیان بوده است. در قرآن کریم نیز آیاتی به بحث قتل پرداخته است. تأثیر روانی این بزه سنگین تا سال‌ها در اذهان باقی می‌ماند.

به رغم وضع قوانین مختلف و سنگین‌ترین مجازات‌ها برای قتل، اما بازهم شوربختانه شاهد بروز ارتکاب آن هستیم. خلقت انسان بر پاکی و حقیقت جویی استوار است و خالق هستی همه انسان‌ها را در زیباترین صورت جسمی و روانی آفریده است، اما شرایط محیطی و شخصی حاکم بر فرآیند رشد و تحول هر انسانی نقش بسزایی را ایفا می‌کند و هر انسانی نسبت به این فرآیندها واکنش‌های مختلفی را از خود بروز می‌دهد.

تحلیل آماری در خصوص انگیزه‌های قتل نشان می‌دهد به ترتیب نزاع و درگیری، اختلافات خانوادگی، رابطه نامشروع، اختلافات مالی، سرقت، انتقام و اخاذی از اهم موارد انگیزه‌های انجام قتل است. مسائل مالی و نداشتن حالت عادی روانی متأثر از مصرف مشروبات الکلی، استعمال مواد مخدر، حسادت، انتقام و نداشتن کنترل عصبی در زمان حادثه به علت فشارهای اجتماعی از دیگر عوامل انگیزشی قتل است.

وقوع قتل عمدی یا به صورت اتفاقی یا مسبوق به تصمیم قبلی است که غالباً این اتفاق به خاطر نقض یا دفاع از غریزه جنسی، غریزه خانوادگی، غریزه کسب اعتبار و شهرت طلبی است. نزاع و درگیری بالاترین نرخ علت قتل‌های کشور به شمار می‌رود که هیچ توجیه منطقی در آن وجود ندارد و معمولاً هم سر موضوعاتی که فاقد ارزش محسوب می‌شود رخ می‌دهد. همراه داشتن سلاح سرد و ناکارآمدی مجازات‌های بازدارنده حمل سلاح نیز از دیگر عوامل به شمار می‌رود. در این نوع قتل شخصِ قاتل قصد کشتن طرف مقابل را ندارد و صرفاً ترساندن مقتول یا ایراد ضربه هدف نهایی است، اما رفتار قاتل منتج به قتل می‌گردد.

نوع دیگری از قتل، قتل‌های خانوادگی است که در بستر خانواده با روابط خویشاوندی سببی و نسبی واقع می‌گردد به نحوی که یکی از اعضا اقدام به کشتن عضو دیگر می‌نماید.

متأسفانه در جامعه امروزی به دلیل تهاجم فرهنگی و ترور افکار به وسیله ماهواره و اینترنت هر روز شاهد تیره‌تر شدن روابط خانوادگی، ترویج بی‌بند و باری و روابط ناسالم بین افراد هستیم که این امر در تعارض با آموزه‌های دینی حاکم بر جامعه و خانواده‌های ایرانی است و در نهایت هم منجر به وقوع قتل یا سایر جرائم در فضای خانواده می‌شود که عمده‌ترین مصادیق آن قتل فرزند توسط پدر و مادر یا برعکس یا همسرکشی یا قتل برادر و خواهر به دست یکدیگر است.

در بررسی پرونده‌های حادث شده استعمال مواد مخدر و روانگردان توسط یکی از طرفین، فشارهای روحی و روانی به دلیل مشکلات اقتصادی و بیکاری، ناامیدی به آینده، بیماری‌های روانی ناشی از توهمات شیطانی، مشکلات مالی طرفین از جمله ارث، انحرافات و بدبینی‌های جنسی نسبت به طرف مقابل منجر به بروز قتل‌های عمدی شده است.

شوربختانه باید نوشت رایج‌ترین قتل‌های خانوادگی همسرکشی است که آمار بالایی را به خود اختصاص داده و عمده دلایل آن خیانت زن و شوهر به یکدیگر (یا توهم این موضوع)، ایجاد رابطه نامشروع زن یا شوهر با دیگران یا کشتن برای حفظ آبروی خانوادگی است.

در خصوص آلات استفاده شده در قتل‌ها نیز وجود سلاح سرد بسیار پر رنگ است که در این مورد می‌توان به عللی چون ارزان بودن و دسترسی آسان به آن اشاره کرد.

این موارد هم به عنوان پیشنهاد می‌تواند وضعیت قتل را در جامعه ایرانی بهبود بخشد:

۱- تشکیل پرونده شخصیت برای مجرمان خطرناک شهر و کسانی که قبلاً مرتکب بزه قتل عمد شده‌اند و بنا به جهات قانونی مجازات قصاص در مورد آنان منتفی شده است.

۲- برخورد شدید و بدون اغماض نسبت به حاملان سلاح سرد. ۳- آموزش از طریق رسانه‌ها جهت ارتقای سلامت خانواده. ۴- نظارت بر نقاط پر جمعیت و دارای موقعیت خاص شهر از طریق نصب دوربین مداربسته و افزایش گشت‌های پلیسی.

*** بازپرس ویژه قتل دادسرای عمومی و انقلاب کرج**

گزارش ۲

رضا دانش

تأمین منافع عالیه با رعایت حقوق بنیادین کودک

الگوی پیشگیری از کژروی کودکان در رساله حقوق امام سجاد(ع) به بهترین نحو بیان شده است

«و اما حق کودک عبارت است از مهرورزی، فرهنگ آموزی، آموزش، گذشت‌ورزی، پوشانیدن عیب‌ها، آسان‌گیری، یاری‌رسانی و پرده‌پوشی بر لغزش‌های کودکانه، پس همانا این امر سبب توبه اوست و نرمی و مدارا و پرهیز از سرزنش و لجبازی، پس همانا این برای رشد (شخصیت) او بهتر است.» این بخشی از رساله حقوق امام سجاد (ع) است.

کودکان، مهم‌ترین سرمایه‌های هر جامعه و امیدهای آینده آن هستند، لذا تمامی تلاش‌ها بر آن است که شرایط رشد جسمی و روحی آنها فراهم و موانع رشد از میان برداشته شود. تجربه و دانش بشر اثبات کرده است که کودکان به دلیل شخصیت آسیب‌پذیر و در حال رشد و توانایی جسمی، روحی و عقلی محدود، باید همواره تحت «هدایت» و «حمایت» باشند. اهمیت این دوران سبب شده است تا در منابع دینی نیز توجه ویژه‌ای به آن شده و «قواعد رفتار با کودک» به شهروندان آموزش داده شود که یکی از مهم‌ترین آنها، اصولی است که در رساله حقوق امام سجاد (ع) تحت عنوان «حق الصغیر: حق کودک» بیان شده است. تأمّل در این اصول رفتاری – که عنوان «حق» نیز به خود گرفته‌اند – نشان می‌دهد که آن بزرگوار در بیان این حقوق ظریف‌ترین نکات علمی و رفتاری را مورد توجه قرار داده و آنها را در قالب «حقوق» شناسایی فرموده‌اند. بی‌تردید، به کارگیری این اصول رفتاری نقش بسزایی در تربیت کودکان داشته و از سقوط آنها در مسیرهای کژروانه یا استمرار آن پیشگیری می‌نماید. از آموزه ایشان می‌توان دو الگوی «پیشگیری» و «پاسخ‌دهی» در رابطه با کژروی کودکان را استنباط کرد.

■ الگوی پیشگیری

بر اساس ماده (۱) قانون پیشگیری از وقوع جرم (۱۳۹۴)، «پیشگیری از وقوع جرم عبارت است از پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از میان بردن یا کاهش آن.» پیشگیری، آسان‌ترین، بهترین، کم‌هزینه‌ترین، ساده‌ترین، کم‌زیان‌ترین و کرامت‌مدارترین راهبرد در برابر بزهکاری و به ویژه بزهکاری کودکان است. در میان گونه‌های پیشگیری نیز بهترین گونه آن، پیشگیری فردمدار است که متمرکز بر نظام رفتاری و شخصیت شهروندان بوده و تلاش می‌کند با بهبود شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... زمینه پیدایش انگیزه‌های مجرمانه را از بین برده و بستر جامعه‌پذیری و هم‌نوایی افراد با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را فراهم سازد (پیشگیری جامعه‌مدار) یا اینکه با شناسایی کودکانِ در معرض خطر بزهکاری، با مداخله زودهنگام، از گرایش آنها به بزهکاری پیشگیری نماید (پیشگیری رشدمدار).

از تأمل در کلام امام سجاد (ع) چنین به دست می‌آید که الگوی مطلوب پیشگیری از کژروی کودکان، پیشگیری فردمدار است که بر پایه آموزش و پرورش استوار است. مهرورزی، آموزش، پرورش، پرهیز از لجبازی، مدارا و آسان‌گیری ذیل همین الگو قرار دارند. امام سجاد (ع) پس از شمارش حقوق کودک، به نکته بسیار زیبایی اشاره می‌فرمایند که می‌توان آن را زیربنای تمامی این اصول رفتاری دانست. ایشان می‌فرمایند: «پس همانا این برای رشد (شخصیت) او بهتر است.» به این ترتیب، ایشان مبنای تمامی این حقوق و رفتارها را فراهم‌سازی بستر «رشد کودکان» می‌دانند و این همان آموزه مهم و بنیادینی است که امروزه در مکاتب جرم‌شناسی، روان‌شناسی، علوم تربیتی، مشاوره و... بر آن تأکید شده است و با عناوینی چون «پیشگیری جامعه‌مدار»، «پیشگیری رشدمدار، زودرس و زودهنگام» از آن یاد می‌شود. به این معنا که پیش از گرایش شهروندان و به ویژه کودکانِ در معرض خطر به مسیرهای کژروانه، می‌توان با استفاده از تدابیر اجتماعی (در حوزه آموزش، خانواده، ازدواج، شغل، رسانه، مسکن و...) یا مداخله زودرس، زمینه کژروی و شکل‌گیری انگیزه‌های جنایی را از میان برداشته، شهروندان را جامعه‌پذیر ساخته و با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی همنوا ساخت. به بیان دیگر، الگوی پیشگیری از کژروی کودکان باید یک الگوی فردمدار (جامعه‌مدار یا رشدمدار) بوده و افزون بر آن، عاری از هر گونه خشونت باشد، چراکه در این روایت اثری از خشونت نیست، بلکه آنچه هست «مهربانی»، «ملایمت»، «مدارا»، «گذشت»، «چشم‌پوشی» و «آسان‌گیری» است که می‌توان آنها را «قواعدِ رفتاری بنیادینِ آموزش و پرورش کودکان» دانست که از منظری دیگر، «حقوق بنیادین کودک» نیز به شمار می‌روند. دلیل این نرمش و لطافت را باید در خود مفهوم «کودکی» جست‌وجو کرد که «در حال رشد» بوده و «شخصیت آسیب‌پذیر» دارد. به همین دلیل، شهروندان و به ویژه اشخاص و نهادهایی که ارتباط مستقیم و مستمر با کودکان دارند، باید این اصول رفتاری را به دقت رعایت کنند تا رشد کودک، رشدی کامل و متعادل باشد و «منافع عالیه کودک» تأمین شود، امری که در مقدمه پیمان‌نامه حقوق کودک (۱۹۸۹) نیز مورد تأکید قرار گرفته است: «کودک برای رشد کامل و متعادلِ شخصیتی خود باید در محیط خانواده و در فضایی (مملو) از خوشبختی، محبّت و تفاهم بزرگ شود.»

■ الگوی پاسخ‌دهی

از کنار هم قرار دادن «گذشت‌ورزی»، «پوشانیدن عیب‌ها» و «پرده‌پوشی بر لغزش‌های کودکانه»، الگوی دیگری نیز به دست می‌آید که می‌توان آن را به «الگوی پاسخ‌دهی» تعبیر کرد. در الگوی پاسخ‌دهی، هدف، یافتن بهترین شیوه واکنش به کژروی کودکان است. تأمّل در این روایت، ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که الگوی پاسخ‌دهی به کژروی کودک، قهرآمیز و کیفری نیست، بلکه مبتنی بر «گذشت»، «چشم‌پوشی» و «بزه‌پوشانی (سَتر)» است که در آموزه‌های نوین علوم جنایی از آن‌ها با عنوان «راهبرد پسروی کیفری» یا «قضازدایی» و «کیفرزدایی» یاد می‌شود. از دریچه این راهبرد، به جای واکنش رسمی، قهرآمیز و کیفری به رفتار جنایی، باید با روش‌های غیررسمی، غیرقهرآمیز و غیرکیفری به آن پاسخ داده شود، زیرا مطالعات نشان می‌دهد که واکنش رسمی و کیفری نه تنها کم‌فایده، بلکه زیان‌بار بوده و منجر به الصاق «برچسب‌های مجرمانه» به اشخاص می‌شود. این برچسب‌ها سبب می‌شوند فرد با همین برچسب در جامعه شناخته شود و آن را به عنوان هویت جدید خویش پذیرفته، حاشیه‌نشین شده و در مسیرهای مجرمانه گام بردارد. این در حالی است که اگر به انحراف نخستین وی پاسخ کیفری و رسمی داده نمی‌شد، در متن جامعه باقیمانده و هویت و اعتبار اجتماعی خود را از دست نمی‌داد. اثر تخریبی برچسب‌ها روی کودکان به مراتب شدیدتر از بزرگسالان است. به همین دلیل امروز توصیه می‌شود رسیدگی به بزه‌های کودکان، به طور غیررسمی و از طریق برنامه‌های عدالت ترمیمی صورت پذیرد، زیرا فرآیند رسمی عدالت کیفری، شخصیتِ آسیب‌پذیر و در حال رشدِ کودک را ویران می‌سازد. به همین سان، پاسخ‌هایی نیز که در پایان رسیدگی تعیین می‌شود فاقد جنبه کیفری و سرزنش‌آمیز بوده و اصلاحی، بازپرورانه و ترمیمی هستند. امام (ع) نه تنها به این موضوع مهم توجه داشته، بلکه در گامی فراتر، تدبیری اندیشیده‌اند که شهروندان و نظام عدالت کیفری از کشف، تحقیق و تعقیب بزه‌های کودکان خودداری ورزند و دلیل این امر را چنین بیان فرموده‌اند که این امر سبب «توبه» شده و زمینه «بازگشت» و «احیای» وی را فراهم می‌سازد. این مطلب نشان می‌دهد که نگاه ایشان به کیفر، همان نگاه قرآن است. در نگاه قرآن، از کیفر به «سیئه: بدی» و «اعتداء: تجاوز» تعبیر شده است که همان تعبیر به کار رفته برای خود «بزه» است. جالب‌تر اینکه در بعضی از مکاتب فلسفه کیفری نیز کیفر به عنوان «بدِ ضروری» معرفی می‌شود. در نتیجه، کیفر باید به صورت کمینه به کار رفته و در مورد برخی از افراد مانند کودکان نیز اجرا نشود. وقتی ثابت شده است که کیفر نمودن کودک، آسیب شدیدی بر شخصیت و فرآیند رشد او وارد ساخته و در برابر، مدارا و چشم‌پوشی، منجر به اصلاح، بازپروری و بازسازی شخصیت او می‌گردد، پس همان بهتر که بر اساس اصل سَتر (بزه‌پوشانی)، از کشف، تحقیق و پیگرد بزه‌های کودکان، تا آن‌جا که ممکن است و با اصول حقوقی مغایرت ندارد، خودداری شود تا زمینه «بازپروری» و «احیای نفس» کودکان فراهم شود.